



Ways to achieve social justice by relying on leadership theories

Zeynab. Zarani¹-Abdolreza. Jamalzadeh^{2*}-Roghayeh. Shahabi³

1: Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2: Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author): jamalzadehpro@gmail.com

3: Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Varamin Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract: Justice is one of the fundamental concepts that all divine religions have been revealed by the Almighty God through the prophets with the aim of realizing this principle. The most important concern of the divine messengers after knowing God and bringing man closer to him was the creation and expansion of justice. Islam, as the last religion, has put the realization of justice at the top of its goals. The Supreme Leader's thoughts on achieving social justice are derived from the Quranic verses and Islamic teachings. This research expresses the issue of social justice and trying to find a pure Islamic theory according to the statements of the Supreme Leader. According to the statements of the Supreme Leader, the ways to achieve social justice are: economic methods (economic prosperity, resistance economy, reducing the class gap, eliminating poverty); Social ways (justice in the family and payment of dowry for women, fair treatment of orphans, unity of people and officials), political ways (accuracy in elections, appropriate distribution and distribution of the country's opportunities, support and resistance of nations, advice to agents of the system and legislative and judicial powers) and religious methods (combination of rationality and spirituality, following practical and innocent mistakes) and examining their statements can help to create a pure Islamic theory and observe social justice.

Keywords: social justice, collection methods, statements, Supreme Leader position.

فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۲ - شماره ۳۹ - تابستان ۱۴۰۴

صفحات ۳۷۰-۳۴۵ (مقاله ترویجی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۱۱/۲۳ - بازنگری ۱۴۰۲/۰۴/۰۴ - پذیرش ۱۴۰۲/۰۴/۱۱

راهبردهای اصولی در تأمین عدالت اجتماعی و رفاه از منظر مقام معظم رهبری

زینب زرانی^۱ / عبد الرضا جمالزاده^۲ / رقیه شهابی^۳

۱: گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲: گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

jamalzadehpro@gmail.com

۳: گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده: عدالت از مفاهیم بنیادینی است که همه ادیان الهی با هدف تحقق این اصل از سوی خدای متعال به واسطه انبیاء نازل گشته اند. از آنجا که مهم ترین دغدغه پیام آوران الهی بعد از شناخت خدا و نزدیک کردن انسان به او، ایجاد و بسط عدالت بوده است دین اسلام نیز به عنوان خاتم ادیان، تحقق عدالت را در سر لوحه اهداف خود قرار داده است. همچنین اندیشه های مقام معظم رهبری در حوزه رسیدن به عدالت اجتماعی، برگرفته از آیات قرآن و تعالیم اسلامی می باشد. این مقاله با هدف کاربردی و روش توصیفی - تحلیلی بیانگر موضوع عدالت اجتماعی و تلاش برای دست یافتن به یک نظریه ناب اسلامی با توجه به بیانات مقام معظم له می باشد. با توجه به بیانات مقام معظم رهبری، راه های وصول به عدالت اجتماعی عبارتند از: روش های اقتصادی (رونق اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، کاهش فاصله طبقاتی، رفع فقر)؛ راه های اجتماعی (عدالت در خانواده و پرداخت مهریه زنان، رفتار عادلانه با ایتام، اتحاد مردم و مسئولین)، راه های سیاسی (دقت در انتخابات، تقسیم و توزیع متناسب فرصت های کشور، پشتیبانی و مقاومت ملت ها، توصیه به کارگزاران نظام و قوای مقننه و قضائیه) و روش های دینی (همراهی عقلانیت و معنویت، الگوگیری از اسوه های عملی و معصومین(ع) و بررسی بیانات ایشان، می تواند به ایجاد یک نظریه ناب اسلامی و رعایت عدالت اجتماعی کمک کند.

کلیدواژه: عدالت، عدالت اجتماعی، رفاه اجتماعی، عقلانیت، معنویت.

- زرانی، زینب؛ جمالزاده، عبد الرضا؛ شهابی، رقیه (۱۴۰۴) «راهبردهای اصولی در تأمین عدالت اجتماعی و رفاه از منظر مقام معظم رهبری». دانشگاه سمnan: مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمnan. ۱۷(۳۹). ۳۷۰-۳۴۵.

Doi: 10.22075/feqh.2023.29309.3522

مقدمه

عدالت، قانون حاکم بر جهان آفرینش می باشد که نظام هستی بر محور آن استوار است. عدالت در مفهوم گسترده اسلامی خود از دادگری فراتر است، و به معنی ترک گناهان کبیره، و عدم اصرار بر صغائر آمده، یا به تعبیر دقیق تر، آن حالت خدا ترسی باطنی است که به صورت یک ملکه و خصلت در آمده و او را از انجام گناه باز می دارد، و سدّی میان انسان و گناه می کشد. در حوزه اجتماعی، دادورزی و اجرای عدالت با سابقه ترین آرمانی است که همواره دغدغه خاطر حکیمان و مصلحان اجتماعی بوده است. همواره در طول تاریخ، عدالت اجتماعی آرزوی بشر بوده است. لذا عدالت اجتماعی، برنامه ریزی کامل و همه جانبه برای پیشرفت و تعالی مردم در تمام جنبه های معنوی و مادی است؛ به این ترتیب باید برنامه صحیح و جامعی را که تضمین و تأمین کننده منافع معنوی و مادی توده های مردم و سبب رسیدن به کمال مطلوب است با حداقل ضایعات، تنظیم شود و این معنا در دنیای امروز از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. بی شک در یک جامعه، اجرای عدالت اجتماعی، به تحقق مبارزه با فقر، گسترش تعلیم و تربیت صحیح، آموزش و پرورش کافی، آگاهی و بیداری و تقوا منجر می گردد. از اینرو اهتمام به سیاست هایی در راستای بقای جامعه، کم کردن فاصله طبقاتی، پیشرفت همگانی به تحکیم عدالت اجتماعی می انجامد و مسلم است که با پیشرفت اجتماع، افرادی که در آن اجتماع زندگی می کنند نیز رفاه و آسایش پدید خواهد آمد؛ این همان نظر واقع بینانه الهی است، زیرا در یک جامعه بدبخت نمی توان خوشبخت زندگی کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۸۵). اندیشمندان مسلمان با تکیه بر مبانی اسلام، در معنی عدالت، راه وصول به آن و شاخص های آن بسیار سخن گفته اند. مقام معظم رهبری نیز از عدالت به عنوان یک ارزش مطلق یاد کرده اند و همواره گفتمان عدالت را یک گفتمان زنده دانسته اند. ایشان، معتقد به تلاش برای یافتن یک نظریه اسلامی ناب در باب عدالت هستند که باید با استفاده از متون دینی و بر پایه مبانی هستی شناسی و

معرفت‌شناسی این نظریه استخراج شود؛ زیرا در اسلام، عدالت ناشی از حق و عدالت‌ورزی یک وظیفه الهی است و نگاه به عدالت، یک نگاه بنیانی و مبتنی بر ارزش‌های اصولی است. با توجه به ضرورت و اهمیت استخراج نظریه درباره عدالت از دین اسلام و اهمیت این موضوع در بیانات مقام معظم رهبری و این که ایشان معتقدند عدالت، مقدمه رسیدن انسان به کمال نهایی است و تا برقراری کامل عدالت اجتماعی راه بسیار است، این پژوهش درصدد آن است تا با بررسی نظرات معظم له در خصوص عدالت اجتماعی، راه‌های وصول به آن را توضیح دهد. این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی نگارش شده است و در پی پاسخ به این پرسش است که تعاریف عدالت و عدالت اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری چیست و راه‌های وصول به عدالت اجتماعی از دیدگاه رهبری کدام‌اند؟

هدف از انجام این پژوهش، توجه به سخنان معظم له در زمینه عدالت، که ترسیم الگویی کلی برای رسیدن به عدالت می باشد تا دانشمندان کشور بتوانند با استفاده از آن، گامی در جهت ایجاد یک نظریه اسلامی برای برقراری عدالت اجتماعی بردارند. برای تبیین و تشریح راه‌های وصول به عدالت اجتماعی از دیدگاه فقیه عالیقدر، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، سخنرانی‌ها و درس‌های خارج فقه ایشان در این خصوص جمع‌آوری، مطالعه و خلاصه شده و پس از تحلیل داده‌های مطالعاتی، نتیجه حاصل در این پژوهش منعکس شده است.

۱- تعریف عدل

۱-۱- عدل از دیدگاه صاحب‌نظران اسلامی

عدل، قانونی است که تمام آفرینش بر محور آن است و تمام موجودات با عدالت برپا هستند؛ پیامبر (ص) می فرمایند: بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ (قرشی، ۱۴۱۲: ۲۰۹/۷) بر همین مبنا، شهید صدر ریشه‌های عدالت را در فطرت و تکوین جستجو می‌کند (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۵۸۷). همچنین از دیدگاه امام خمینی (ره)، عدالت و قسط

در وجود و ذات انسان ریشه دارد و او طبعاً موجودی است که به سوی عدالت و برقراری قسط در جامعه گام می‌نهد و از بی‌عدالتی و تبعیض رویگردان است. به همین رو، ایشان عدل را از جنود عقل می‌داند که مطابق فطرت است و چون ذات معشوقه همه سلسله بشر به فطرت اصلیه، دارای همه کمالات است توجه و عشق به کمال مطلق از فطریات خواهد بود (خمینی، ۱۳۸۶: ۱۴۷-۹۹). به دلیل آن که در اندیشه امام، عدل فضیلت نفسانی است بر این اساس، انسانی که دارای عقل سلیم و فطرت پاک است از افراط و تفریط ذاتاً احساس تنفر می‌کند و از این سو به عدل و قسط توجه و گرایش دارد: قلب فطرتاً در مقابل قسمت عادلانه خاضع است و از جور و اعتساف فطرتاً گریزان و متفّر است. از فطرت های الهیه که در کمون ذات بشر مخمّر است حبّ عدل و خضوع در مقابل آن است و بغض ظلم و عدم انقیاد در پیش آن است؛ اگر خلاف آن را دید، بداند در مقدمات نقصانی است ... (خمینی، ۱۳۷۶: ۱۱۳). چون در نظر امام خمینی عدل مطلق، مستقیم به همه معنی است و خداوند بر صراط مستقیم و عدالت تمام است (همان: ۱۴۷) می‌توان گفت که در نظر ایشان، عدالت برجسته‌ترین صفت پروردگار و شامل جمیع کمالات است و ویژگی تمام افعال الهی است. در نگرش امام حتی قانون الهی که همان احکام و تعالیم مکتب اسلام است، «برای اجرای احکام و بسط عدالت در سراسر جهان مقرر شده است» (خمینی ۱۳۶۹: ۳۰).

همچنین آیه الله مطهری، عدالت را اینگونه تعریف می‌نماید: هر اجتماع متعادل، نیازمند به کارهای فراوان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قضایی و تربیتی می‌باشد و از آنجایی که عالم هستی موزون و متعادل است، لذا این کارها باید میان افراد تقسیم شود؛ برای هر کدام از آنها نیز باید به قدر لازم کارگزار گماشته شده و بودجه و نیرو صرف گردد. لذا در غیر این صورت امکان برپایی عالم هستی وجود نداشته و این نظم، تناسب و حساب معین نیز در آن نبود، چنان که حدیث نبوی اشاره می‌نماید: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» نقطه مقابل عدل در این معنا بی‌تناسبی است نه ظلم، چون بحث

عدل به معنای تناسب در برابر بی تناسبی در نظر کلّ نظام عالم بوده، در حالی که عدل در مقابل ظلم، به دنبال ملاحظه هر جزء حقوق فردی مطرح می شود. همچنین عدل به معنای تناسب و توازن در نظام عالم، از شئون خداوند حکیم نیز می باشد (مطهری، ۱۳۷۷: ۷۲) و همچنین عدالت، تساوی در زمینه استحقاق هایی می باشد که افراد از آن برخوردار بوده و این رفع تبعیض با ملاحظه تفاوت های بین افراد است (مطهری، ۱۳۸۰: ۳۱۷) و عدل در این معنا در برابر ظلم (پایمال کردن حق دیگران) قرار گرفته و آن چه همواره باید در قوانین بشری به معنای عدالت اجتماعی رعایت شده و همگان آن را محترم بشمارند همین معناست؛ لذا ظلم به معنای تجاوز به حریم و حق دیگری نسبت به خداوند محال می باشد، چون او مالک علی الاطلاق بوده و هیچ چیز در مقایسه با او اولویت ندارد. استاد مطهری این تعریف از عدالت را متکی بر دو چیز دانسته که یکی حقوق و اولویت هایی می باشد که نیمی از افراد بشر نسبت به یکدیگر و در مقایسه با یکدیگر نوعی حقوق و اولویت پیدا کرده و دیگر این که خصوصیت ذاتی بشر به گونه ای است که با استفاده از اندیشه های اعتباری، در دستیابی به مقاصد و سعادت خود از آنها به عنوان آلت فعل بهره می برد؛ لذا باید برای رسیدن افراد جامعه به سعادت، یک سری حقوق و اولویت رعایت شود. به علاوه، عادل بودن پروردگار نزد حکمای الهی به این معنی است که به هر موجودی در نظام تکوین، میزانی از کمالات و جود را که قابلیت و ظرفیت دارد اعطاء می کند و پروردگار از موجودی که استحقاق و قابلیت دارد، منع فیض نمی کند. ذکر این نکته ضروری است که این معنا از عدل، صرفاً در حوزه کلامی کاربرد دارد (مطهری، ۱۳۷۷: ۸۲).

شهید صدر در تعریف عدل، می گوید: رسالت دین هماهنگی است میان معیار فطری و معیاری که شایسته عمل است برای تضمین عدالت، و عدالت از هماهنگی میان این دو معیار به وجود می آید و رفاه و سعادت بشر نیز حاصل هماهنگی میان دو اصل متضاد حبّ ذات بشر و مصالح عمومی بشر است. سخن شهید صدر در باب قضاوت و حکم

براساس عدالت در کتاب «فدک فی التاریخ» می تواند به دو معنا در نظر گرفته شود: یکی حکم براساس واقعیت امر یا سخن در مورد واقعیت امر، و دوم حکم براساس موازن قضایی که در اینجا مفهوم انطباق با موازن قضایی مدنظر است که در این صورت بیانگر عدالت قضایی خواهد بود که بعدی از ابعاد عدالت حقوقی است. (عظیم زاده اردبیلی، ۱۳۸۸: ۱۴).

عدالت از دیدگاه راغب اصفهانی چنین است که لفظ عدالت اقتضای برابری دارد و معتقد است که دادگری در ذات خود برابری را نیز در بر می گیرد و هر جایی که دادگری باشد برابری نیز تحقق می یابد (راغب اصفهانی، بی تا: ۳۰).

۱-۲- عدل از دیدگاه آیه الله خامنه ای

آیه الله خامنه ای نیز عدالت در جهان را دارای ریشه تکوینی و طبیعی دانسته و گفته اند: سنت آفرینش بر مبنای عدل است و هر نظام اجتماعی اگر به دنبال این سنت طبیعی و قانون الهی آفرینش حرکت کند، ماندگار و کامیاب است. طبق این دیدگاه، عدالت یک ریشه تکوینی و طبیعی دارد (خامنه ای، بیانات ۱۳۸۰/۴/۷). همچنین تفکر رهبری نیز به مانند امیرالمؤمنین (ع)، عدالت را به معنای قرار دادن هر چیز و هر کس در جای خود؛ بر طبق حق عمل کردن، حق هر چیز و هر کسی را به او دادن است؛ پس عدالت همان تعادل است و باید عدالت محض را میان افراد بشر برقرار کرد (خامنه ای، بیانات ۱۳۷۶/۷/۳۰؛ بیانات: ۱۳۷۷/۲/۱۸) همچنین عدالت را به معنای عمل به قانون دانسته و معتقدند که قوانین جمهوری اسلامی ایران بر طبق موازن اسلامی است و این همان چیزی است که مبادی اسلامی آن را قانون کرده اند و به شما داده اند. البته در مجموعه قوانین ما ممکن است قوانینی باشند که صددرصد با احکام اسلامی منطبق نباشند، یا قوانینی که از قبل مانده اند یا برخی قوانین دیگر، که اینها بایست اصلاح بشود. معیار، این است که بر طبق قانون عمل بشود. عدل، اینجا تحقق پیدا می کند (خامنه ای، بیانات ۱۳۸۸/۴/۷)؛ بنابراین در واقع مقصود ایشان از عمل به قانون، عمل به دستورات اسلام

است. در مقایسه تعریف عدالت از دیدگاه آیه الله خامنه ای و صاحب نظران اسلامی می-توان به یک تعریف جامع از عدل پی برد. عدالت و قسط در وجود و ذات انسان ریشه دارد و او طبعاً موجودی است که به سوی عدالت و برقراری قسط در جامعه گام می-نهد. قلب فطرتاً در مقابل قسمت عادلانه خاضع است و از جور و اعتساف فطرتاً گریزان و متنفر است. عالم هستی موزون و متعادل است. رسالت دین هماهنگی است میان معیار فطری و معیاری که شایسته عمل است برای تضمین عدالت، و عدالت از هماهنگی میان این دو معیار به وجود می-آید و رفاه و سعادت بشر است. لفظ عدالت اقتضای برابری دارد و معتقد است که دادگری در ذات خود برابری را نیز در بر می-گیرد.

۱-۳- مفهوم عدالت در حقوق کیفری

مهم ترین هدف همه قواعد حقوقی از جمله کیفری، اجرای عدالت می باشد که بشر از ابتدای حیات خود، آن را شناخته و در پس آن قرار دارد. در حقوق کیفری، حفظ مصالح ضروری و جلوگیری از تعدی و تجاوز به آنهاست. این مصالح عبارتند از: حفظ جان، مال، نسب، عقل و دین. از دیدگاه اسلام، اراده خداوند منشأ مشروعیت احکام جزایی و غیر جزایی است. او به حکمت مطلقه خویش به مصالح و مضار انسان، آگاه و بهترین و برترین قواعد رفتاری از جمله کیفرها را معین فرموده است. اما این مسأله به هیچ وجه به معنای نهی از اندیشه و تأمل درباره مجازات های اسلامی نیست، بلکه اسلام، خود، انسان را تشویق به تعمق و تفکر کرده است؛ بنابراین نه تنها می توان به بررسی ملاک ها و معیارهایی که مجازات های اسلامی بر آن مبتنی است، پرداخت و مبانی کیفرهای شرعی را تفسیر کرد بلکه با توجه به نیازها و مقتضیات فعلی جوامع اسلامی طرح چنین مسائلی و ارایه پاسخی دقیق و معقول به آنها ضروری می نماید. به این ترتیب، چون در تشریع کیفرهای اسلامی، به تمام نیازها و چگونگی رفع آنها توجه داشته است، وصف عدالت برای کیفرهای اسلامی شایسته است. اسلام نسبت به مسأله عدالت حساسیت ویژه ای دارد به طوری که در وضع احکام، رعایت عدالت به عنوان اصل ثابت

ملاحظه شده است. خداوند در قرآن کریم توصیه به رعایت عدالت در حکم دادن نموده است و آیات فراوانی در قرآن کریم و روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) در زمینه عدالت وجود دارد. بر طبق آیات قرآن، تمامی احکام صادره از خداوند مطابق عدالت است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ» (نحل: ۹۰)، حال سؤال مهم آن است که مفهوم عدالت در حقوق کیفری چیست و مرجع تشخیص آن چه کسی می باشد؟ مثلاً در خصوص دیه زن و مرد اگر عرف به تساوی به عنوان مقتضای درک خود از عدالت حکم داد آیا این امر می تواند مبنای حکم قرار گیرد یا باید در تشخیص عادلانه بودن حکم، به مرجع دیگری رجوع کرد؟ در خصوص مفهوم عدالت و مرجع تشخیص عادلانه بودن حکم در حقوق کیفری، دو قول وجود دارد:

۱- مراد از عدالت در ادله آن، عدالت عرفی است؛ یعنی باید در تشخیص مصادیق عدالت مانند سایر مصادیق آیات و روایات به عرف مراجعه کنیم مگر این که نصّ قطعی در تعیین مصادیق آن داشته باشیم. عمده دلیل این ادعا آن است که بر طبق قاعده کلی در علم اصول، فقه و حقوق «الفاظ عقود، حمل بر معانی عرفیه می شوند». با توجه به آیات قرآن خداوند بر عدل حکم می کند؛ پس اگر در موردی تردید کردیم که حکم عادلانه چیست باید بر طبق قاعده مذکور به عرف مراجعه کرد. مراجعه به عرف در تشخیص مفهوم عدالت و مصادیق آن دارای ایرادات متعددی است:

اولاً، مراجعه به عرف، یکی در تشخیص موضوعات عرفیه است مانند تشخیص ماء و خمر، در تعبیراتی مثل «الْمَاءُ يَطْهَرُ» و یا «الْخَمْرُ حَرَامٌ» و دیگری در تشخیص مصادیق موضوعات شرعیه مثلاً می فرماید: «إِذَا سَافَرْتَ بِقَدْرِ الْمَسَافَةِ فَقَصِّرْ» یا «الْمَاءُ إِذَا بَلَغَ قَدْرَ كَرٍّ لَا يَنْجِسُهُ شَيْءٌ» که عنوان «مسافت» و «کرّ»، موضوع شرعی است و نقش عرف در اینجا آن است که تشخیص بدهد که این مقدار راه، به قدر مسافت بوده یا این مقدار آب ۱۲۰۰ رطل عراقی که مقدار کرّ است، می باشد یا خیر؟ (خامنه ای، بیانات ۱۳۷۹/۱/۱۴) در حالی که به نظر می رسد که موضوع عدالت، موضوع حکم عقلی است

و نه شرعی. روشن است که عقل، عدل واقعی را حسن، و ظلم واقعی را قبیح می‌داند؛ بنابراین تطبیق عدالت بر مصادیق خارجی بر عهده عقل است و نه عرف (پورمولا، ۱۳۹۴: ۱۹۸).

ثانیاً، بر فرض که موضوع عدالت موضوعی شرعی باشد، مراد از عرفی که در تشخیص مصادیق حجّیت دارد عرفی است که بتواند قضاوت قطعی نموده و شهادت به چیزی بدهد، نه این که حدس و گمان بزند. در جایی که قضاوت روشنی از عرف نیست بلکه صرف حدس و ظنّ است، ظنّ حجّیت ندارد؛ چرا که «انّ الظنّ لا یغنی منّ الحَقّ شیئاً» (یونس: ۳۶)؛ گمان به هیچ وجه [آدمی را] از حقیقت بی‌نیاز نمی‌گرداند (خامنه ای، بیانات ۱۳۷۹/۱/۱۴) در واقع، حکم عرف در برخی موارد دقیق نیست بلکه گاهی مبنی بر مسامحه است (خامنه ای، بیانات: ۱۳۷۸/۱۲/۲۲).

ثالثاً، در عناوین موضوعات شرعی، اگر شارع مقدّس دخالتی در تعیین موضوع نکرده باشد آن چه که موضوع احکام قرار می‌گیرد همان موضوعات عرفی است؛ مثلاً در آیه شریفه «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» (بقره: ۲۷۵) یا «إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ» (نساء: ۲۹) شارع مقدّس، بیع و تجارت را معنا نکرده و لذا ما به همان معنای عرفی این کلمات مراجعه می‌کنیم، اما در موردی که شارع مقدّس در موضوع دخالت کرده است ما حقّ نداریم از محدوده بیان شارع خارج شویم، زیرا معلوم است که شارع مقدّس درباره این موضوع نظر دارد، لذا در اینجا دیگر حقّ نداریم که فرمایش شارع را حمل بر معنای عرفی بکنیم (خامنه ای، بیانات ۱۳۷۸/۱۰/۲۷). در واقع، صدق عرفی در موضوعاتی مناط تعلّق حکم است که شارع مقدّس در باب آن موضوع، نظر و رأیی ابراز نکرده باشد. در چنین موردی صددرصد تابع عرف هستیم اما اگر در جایی شارع مقدّس در موضوع، دخل و تصرف کرده و حدود و قیودی برای آن موضوع قراردادده است در اینجا دیگر صدق عرفی کافی نیست بلکه باید ببینیم آیا ضوابط معین شده از طرف شارع مقدّس هم در اینجا هست یا نیست؟ (خامنه ای، بیانات: ۱۳۷۸/۱۱/۱۷). به نظر می‌رسد که

مصادق عدالت در بسیاری از موارد توسط شرع مقدس بیان شده است و شارع در موضوع دخالت کرده است، لذا جایی برای مراجعه به عرف نیست.

۲- مراد از عدالت در حقوق کیفری، عدالت واقعی است. بر این اساس، مراجعه به عرف برای تشخیص مصادیق آن تنها زمانی است که عرف، عدالت واقعی را با اطمینان و یقین شناسایی کند. عدالت واقعی بدین معناست که مراد از عدالت در اوامر دین، آن چیزی است که در عالم واقع و ثبوت، عدالت است. آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ» (نحل: ۹۰) بدین معناست که پروردگار به آن چه که در واقع، عدالت است امر می کند (پورمولا، ۱۳۹۴: ۳۰) این عدالت یا به وسیله عقل شناخته می شود و یا به وسیله نقل. فلسفه نزول قرآن و هدایت های شریعت، دستگیری عقل است در آن چه که او، یارای رسیدن به آن در شناخت عدالت واقعی ندارد (همان: ۹۲). عدالت واقعی، عدالتی است که تنها ارتباط به بعد ظاهر زندگی حیات دنیا ندارد، بلکه به مجموعه مسائل مربوط به مبدأ و معاد و انسان شناسی و خدا شناسی و ... ارتباط دارد و بر اساس علم به واقع یعنی آن چه که در حاق واقع عالم وجود دارد، است. چنین عدالتی را کسانی باور دارند که اعتقاد به مبدأ و معاد داشته باشند و گر نه کسی که اعتقادی به این مسائل ندارد، «عدالت واقعی» برای او بی معنا خواهد بود (پورمولا، ۱۳۹۴: ۹۵)؛ بنابراین مراد از عدل و ظلم در ادله احکام، عدالت واقعی است و نظر عرف تنها هرگاه با اطمینان و یقین بتواند آن عدالت واقعی را کشف کند حجت است. در واقع ما ابایی نداریم از این که در مواردی که صدق عرفی مطابق با واقع است آن را بپذیریم؛ اما این که صدق عرفی یک مناط تام برای حکم در همه موارد باشد، قابل تصدیق نیست، زیرا در مواردی، صدق عرفی هست ولی مطابق واقع نیست، زیرا عرف دقیق نیست بلکه مبنی بر مسامحه است (خامنه ای، بیانات ۱۳۷۸/۱۲/۱۵) به نظر می رسد که دیدگاه امام خامنه ای در خصوص مفهوم عدالت در حقوق کیفری، عدالت واقعی است.

۲- عدالت اجتماعی

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «عدالت را بگستران، و از ستمکاری پرهیز کن، که ستم رعیت را به آوارگی کشاند، و بیدادگری به مبارزه و شمشیر می‌انجامد» (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۶). همچنین وی در زمینه عدالت اقتصادی که جزیی از عدالت اجتماعی است به تساوی تقسیم بیت المال بین همه سفارش می‌کرد. «عدالت اجتماعی» ایجاد شرایط برای همه و رفع موانع برای همه به‌طور یکسان تعریف شده است. عدالت اجتماعی، برابری همگان نیست، و جامعه شبیه «پیکر» نیست که اجزاء آن اراده استقلال‌ی نداشته باشند، بلکه عدالت اجتماعی «رعایت استحقاق» است، نه «اشتراک مطلق!» (مطهری، ۱۳۸۱: ۵۶). شهید صدر، عدالت اجتماعی را بعد اجتماعی و سیاسی عدل دانسته و وسطیت و اعتدال در دورن جامعه را بنیان عدل جمعی معرفی می‌کند و عدالت اجتماعی، تبلور عدل الهی در جامعه است (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۵۸۷). مقام معظم رهبری در تعریف عدالت اجتماعی با مرحوم مطهری و شهید صدر هم نظر می‌باشند. ایشان معتقدند گرچه همگان در مقابل قانون یکسان هستند اما قانون عدل برای همگان یکسان نیست، چراکه عدالت لزوماً مقتضی مساوات نیست؛ عدالت، یعنی هر چیزی را به جای خود گذاشتن و به هر کسی حقّ او را دادن» (خامنه‌ای، بیانات ۱۳۷۷/۲/۱۸) «عدالت آن معنایی نیست که در ذهن بعضی از ساده‌اندیشان وجود دارد. شاید خیال کنند که همه جامعه باید برداشت یکسان داشته باشند، خیر! یکی کار بیشتری می‌کند، یکی استعداد بیشتری دارد، یکی ارزش بیشتری برای پیشرفت کشور دارد. عدالت یعنی برطبق حقّ عمل کردن، حقّ هر چیز و هر کسی را به او دادن. هدف این است که عدالت حاکم شود. آن وقت اگر جامعه ثروتمند هم بشود، این ثروت درست تقسیم خواهد شد که مقصود حرکت اسلامی همین است» (خامنه‌ای، بیانات ۱۳۷۱/۱۰/۱۷).

مقام معظم رهبری فرموده‌اند: بحث عدالت در تمام ادیان مطرح شده است. هدف بعثت انبیاء و آمدن کتب و بینات، عدالت بوده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵).

انبیاء در طول تاریخ در کنار مظلومان قرار گرفته، برای برقراری عدل جهت دفاع از مظلومین جنگیده‌اند، زیرا در قرآن بیان شده که انبیاء با طواغیت و مترفین (آنها که مست ناز و نعمت بودند) و ملأ (دست‌اندرکاران قدرت که با مقابله با انبیاء پرداختند) - که همه اینها ستمگرند - جنگیده‌اند. در مقابل تمام پیغمبران، مترفین قرار داشته‌اند: «وَ مَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» (سبأ: ۳۴) طاغوت هم یک معنای عامی است که شامل دو گروه ملأ و مترفین می‌شود. همه ادیان معتقدند پایان تاریخ که دوران استقرار دین کامل است، به عدل ختم می‌شود. پس تکیه‌شان در مبدأ، مسیر و انتها بر روی عدل است.

مقام معظم رهبری معتقدند که عده‌ای به خطا تصور می‌کنند که مفاهیم رایج مثل عدالت اجتماعی و آزادی، از غرب به اسلام آمده است در حالی که غرب بعد از رنسانس با این مفاهیم آشنا شده؛ و این مفاهیم در اسلام و قرآن بیان شده، و در زمان پیغمبر به عدالت عمل شده است. عبارت «أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُم» (شوری: ۵) از مفاهیم اسلامی و بدین معناست که پیغمبر اجرای عدالت بکند؛ این همان عدالت اجتماعی و همه‌جانبه است (خامنه‌ای، بیانات ۱۳۹۹/۱/۱) و موضوعات مربوط به حقوق بشر و عدالت اجتماعی اسلامی پیشرفته‌تر از تعاریف آن در دموکراسی و سوسیالیسم می‌باشد (همان: ۱۳۶۸/۱۲/۲۱).

۳- راه‌های رسیدن به عدالت اجتماعی

راه‌های رسیدن به عدالت اجتماعی در چهار بُعد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و دینی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱- روش‌های اقتصادی

یکی از راه‌های رسیدن به عدالت اجتماعی از طریق اقتصاد می‌باشد که شامل:

۳-۱-۱- تلاش برای رونق اقتصادی

یکی از راه های رسیدن به عدالت اجتماعی، تلاش برای رونق اقتصادی است. مقام معظم رهبری هدف اصلی رونق اقتصاد کشور را تأمین عدالت اجتماعی و رفع فقر را ذکر کرده‌اند: باید ثروت مملکت در خدمت ریشه‌کنی فقر و گسترش عدالت باشد، با این نگاه و رویکرد باید حرکت کرد (خامنه‌ای، بیانات ۱۳۹۸/۰۵/۰۳).

۳-۱-۲- برداشتن فاصله طبقاتی

برداشتن فاصله طبقاتی یکی دیگر از راه های رسیدن به عدالت اجتماعی می باشد. حضرت مهدی (ع) ثروت را به صورت برابر تقسیم کرده و در میان رعیت به عدالت رفتار می کند (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ۳۸۹) قطعاً این موضوع منجر به ایجاد عدالت اجتماعی از طریق کاهش فاصله طبقاتی و فقر می شود. رهبری در راستای برداشتن فاصله طبقاتی برای رسیدن به عدالت اقتصادی از بدتر شدن ضریب جینی در کشور اظهار نارضایتی کرده و رسیدن به عدالت اجتماعی را منوط به برداشتن فاصله های زیاد بین قشرهای مختلف مردم دانسته، و امیدوارند که با توفیق الهی، تلاش، مبارزه با ظلم و فساد؛ عدالت ایجاد شود (خامنه‌ای، بیانات ۱۳۹۶/۱۱/۱۹).

۳-۱-۳- توجه به اقتصاد مقاومتی

یکی دیگر از راه های رسیدن به عدالت اجتماعی، توجه به اقتصاد مقاومتی می باشد. مقام معظم رهبری توجه به استقلال مقاومتی را شرط لازم و کافی برای رسیدن به عدالت دانسته و گفته اند: اقتصاد مقاومتی، عدالت محور است؛ یعنی تنها به شاخص های اقتصاد سرمایه داری - [مثل] رشد ملی، تولید ناخالص ملی - اکتفا نمی کند؛ زیرا ممکن است در حالی که تولید ناخالص ملی یک کشور خیلی هم بالا می رود، کسانی در آن کشور از گرسنگی می میرند! این مورد قبول ما نیست. بنابراین یکی از شاخص های مهم عدالت اقتصادی و اجتماعی، اقتصاد مقاومتی است. البته باید به شاخص های علمی موجود دنیا

راهنماهای اصولی در تأمین عدالت اجتماعی و رفاه از منظر مقام معظم رهبری ————— ۳۵۹

هم توجه می‌شود، اما عدالت به معنای تولید ثروت و افزایش ثروت ملی و تقسیم آن است (همان: ۱۳۹۳/۰۱/۰۱).

۳-۱-۴- برطرف کردن فقر

یکی از راه‌های رسیدن به عدالت اجتماعی در روش‌های اقتصادی، برطرف کردن فقر است؛ چنان‌که امام علی (ع) به اجرای عدالت اقتصادی در مردم سفارش کرده، از تقسیم بالسویه بیت‌المال سخن گفته‌اند (دشتی، ۱۳۷۹: ۲۳۹). روشن است که تقسیم بالسویه بیت‌المال منجر به کاهش فاصله طبقاتی و فقر می‌شود. رهبری یکی از ارکان عدالت را برطرف کردن فقر در کشور دانسته‌اند (خامنه‌ای، بیانات ۱۳۷۴/۶/۸).

۳-۲- روش‌های سیاسی

دومین روش برای رسیدن به عدالت اجتماعی، روش سیاسی می‌باشد.

۳-۲-۱- دقت در انتخابات

اولین گام برای رسیدن به عدالت اجتماعی در روش سیاسی، دقت در انتخابات است. مقام معظم رهبری از مردم خواسته‌اند تا با انتخاب صحیح در انتخابات شورای مجلس اسلامی، کشور را در راه رسیدن به رفاه، عدالت اجتماعی، گشایش اقتصادی، پیشرفت و استقلال یاری نمایند. ایشان فرموده‌اند: اگر مجلس به دنبال رفاه مردم، عدالت اجتماعی، گشایش اقتصادی، پیشرفت علم و فناوری، عزت و استقلال ملت باشد حرکت او به سمت این هدف‌ها خواهد بود؛ اما اگر مرعوب غرب و آمریکا و دنبال حاکمیت جریان اشرافی‌گری باشد، سرانجام آن بدبختی است (خامنه‌ای، بیانات ۱۳۹۴/۱۱/۲۸).

۳-۲-۲- تقسیم و توزیع متناسب فرصت‌های کشور توسط مسئولین

دومین گام برای رسیدن به عدالت اجتماعی در روش سیاسی، تقسیم و توزیع متناسب فرصت‌های کشور توسط مسئولین است. پس قرار گرفتن امکانات کشور در دست عده‌ای خاص و محروم بودن عده‌ای دیگر از اعطای امکانات، به معنای انحراف از تساوی حقوق اقتصادی برای همگان است. مقام معظم رهبری بیان داشتند: عدالت یعنی امکانات کشور، عادلانه و عاقلانه تقسیم شود و باید همین امکانات بیشتر شود تا به همه

بیشتر برسد؛ نه این که به دسته خاصی بیشتر برسد (خامنه ای، بیانات ۱۳۸۴/۰۶/۰۸)؛ وی از ادامه تقسیم و توزیع متناسب فرصت های کشور به وسیله ابزارهایی مانند هدفمندی یارانه ها، سهام عدالت و مسکن روستایی اظهار خرسندی کرده و گفته اند: امام از اول اعلام عدالت کردند. از حفظ مردم سالاری و بقیه کارهایی که در جمهوری اسلامی شده است، استقرار عدالت اجتماعی کار سخت تری است؛ آن عدالتی که اسلام از ما خواسته است با آن چه که امروز در جامعه ماست، فاصله زیادی دارد؛ اما از ابتدای انقلاب حرکت به سمت عدالت اجتماعی ادامه پیدا کرد و روز به روز بیشتر شد. یکی از نمونه های مهم عدالت اجتماعی، تقسیم و توزیع متناسب فرصت های کشور است. در نظام های غافل از حقیقت عدالت اجتماعی، بر روی طبقه و مناطق خاصی از کشور تکیه می شود؛ اما در جمهوری اسلامی روستاها و شهرهای دوردست در حوزه مراقبت قرار می گیرند. مسکن سازی در روستاها، جاده سازی به سمت شهرهای دور و روستاها، راه های ارتباطی و امکانات زندگی در سرتاسر کشور توزیع شده است. سفرهای مسئولین به استان ها و شهرهای مختلف خیلی ارزش دارد. وقتی انسان مشکلات را مشاهده می کند، برای برطرف کردن مشکلات انگیزه به وجود می آید؛ و همین، استقرار عدالت اجتماعی است. مسأله سهام عدالت، مسکن روستائی، هدفمند کردن یارانه ها، کار بزرگی است. اگر ان شاء الله مسئولین کشور بتوانند این را خوب اجرا کنند، خیلی مهم است. نظام بر روی شعار عدالت اجتماعی ایستاد (ترجمه خطبه عربی نماز جمعه تهران: ۱۳۸۹/۱۱/۱۵).

۳-۲-۳- پشتیبانی و مقاومت ملت ها

سومین گام برای رسیدن به عدالت اجتماعی در روش سیاسی، پشتیبانی و مقاومت ملت ها می باشد. مقام معظم رهبری فرمودند: آرمان هایی که ملت ایران دارد، آرمان های بلند و دست یافتنی است. پرچم عدالت اسلامی را برافراشتن، دفاع و حرکت در راه آن یک آرمان عملی است. امروز در دنیای بشر عدالت اجتماعی مظلوم است و مدعیان

حقوق بشر بی‌رحم‌ترین پامال‌کنندگان حقوق بشرند. الان فلسطینی‌ها در غزه قتل عام می‌شوند. صهیونیست‌ها می‌خواهند انتقام آن شکست جنگ سی و سه روزه و ریختن ابهت خود را از فلسطینی‌ها بگیرند. الان چندین هفته است که غزه مورد تهاجم دائمی صهیونیست‌هاست...؛ این ستم بزرگ امروز دارد انجام می‌گیرد؛ طرفداران و مدعیان حقوق بشر، حضراتی که در هر نقطه دنیا سر چیز کوچکی دولت‌هایی را که مطیع آنها نیستند، به نقض حقوق بشر متهم می‌کنند نشسته‌اند و فارغ‌البال و بی‌خیال دارند، به این کشتار روزانه نگاه می‌کنند. بعضی که به این وضعیت نگاه می‌کنند، می‌گویند: شما نام عدالت اجتماعی را می‌آورید، مگر می‌شود؟ در داخل هم البته کسانی هستند که حاضرند برای منافع خود، پا روی منافع صدها و هزارها و میلیون‌ها بگذارند که می‌شنوید؛ بعضی سوءاستفاده‌کنندگان و مفسدان اقتصادی برایشان بیت‌المال و غیر بیت‌المال فرقی نمی‌کند هر جا بتوانند دست می‌اندازند؛ حق هر کس ضایع شد، شد. اینها را که بعضی می‌بینند می‌گویند: مگر می‌شود در کشور عدالت اجتماعی را مستقر کرد؟ من عرض می‌کنم: بله؛ همه آرمان‌های این ملت و انقلاب را می‌شود با پشتیبانی این مردم به نتیجه رساند (خامنه‌ای، بیانات ۱۳۸۵/۰۸/۱۹).

۳-۲-۴- توصیه به کارگزاران نظام

چهارمین گام برای رسیدن به عدالت اجتماعی در روش سیاسی، توصیه به کارگزاران نظام می‌باشد. مقام معظم رهبری در این خصوص گفته‌اند: در نظام اسلامی، عدالت اساس تمام تصمیم‌گیری‌های اجرایی است و همه مسئولان نظام، از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تا مسئولان بخش‌های مختلف اجرایی، به‌خصوص رده‌های سیاست‌گذاری و کارشناسی و تا قضات و اجزای دستگاه قضایی، باید در صدد اجرای عدالت در جامعه باشند. برترین گام در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات محروم است (پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره): ۱۳۷۰/۰۳/۱۳) و اگر غفلتی در مورد غفلت از خدمت به مردم داشته‌ایم باید به خدا پناه

ببریم و توبه کنیم. نگذاریم دل ما از مردم غافل شود بخصوص شما مسؤولانی که مردم با شعار خدمت به مردم، مبارزه با فساد، عدالت اجتماعی در مجلس و دولت شما را انتخاب کرده‌اند. یک لحظه نباید از خدمت به مردم غافل شوید (بیانات در دیدار کارگزاران نظام: ۱۳۸۴/۰۸/۰۸).

۳-۲-۵- توصیه به قوه مقننه

گام دیگر برای رسیدن به عدالت اجتماعی در روش سیاسی، توصیه به قوه مقننه می باشد. منبع اصلی حقوق فطری، اراده خداوند است و اراده او نیز به اقامه عدل تعلق گرفته است. در عین حال خداوند، انسان را به گونه‌ای آفریده که با عقل خود بدون هیچ واسطه‌ای می‌تواند به قواعد حقوق فطری پی ببرد و این قواعد آنچنان مطابق با فطرت انسان و عادلانه است که هیچ کس و هیچ مقامی نمی‌تواند آن را انکار کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۶۳۷)؛ پس تمامی قوانین و احکام شرعی عادلانه است و از اینروست که از نظر امام خمینی (ره) وظیفه قوه مقننه، قانونگذاری و برنامه‌ریزی برای وزارتخانه های مختلف و تشکیلات حکومت در محدوده احکام اسلامی است. مقام معظم رهبری نیز عدالت را امری شرعی دانسته، از مجلس خواسته‌اند تا تنظیم قوانین منطبق بر شرع باشد: باید همه تلاش نمایندگان مجلس شورای اسلامی این باشد که قوانین را صددرصد منطبق با اسلام تنظیم کنند و برای این منظور از آگاهی های علمای دین و تجارب نمایندگان قبلی و نظرات شورای نگهبان در مراحل تصویب لوایح و طرح ها بهره گیرند. زیرا اسلام، تأمین کننده نیاز و سعادت مردم است. بحمدالله قوانین ما جزو پیشرفته ترین قوانین و منطبق ترین آنها با قوانین اسلامی است. قوانین اقتصادی، جزایی، قوانین گوناگون حقوقی و ارتباطات و مناسبات گوناگون مردم با یکدیگر براساس اسلام است» (خامنه ای، بیانات، ۱۳۷۳/۶/۴).

۳-۲-۶- توصیه به قوه قضائیه

همچنین گام بعدی برای رسیدن به عدالت اجتماعی در روش سیاسی، توصیه به قوه قضاییه است. در آیه ۵۸ سوره نساء خداوند فرمان داده است که بین مردم از روی عدالت حکم و قضاوت کنید. امام علی (ع) به رعایت عدالت در قصاص ابن ملجم سفارش نمود (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۶۱) بدینوسیله پیام بزرگی را به کلیه مقامات قضایی اسلامی داد که همان عملکرد قضاوت بر اساس احکام شرع است. مقام معظم رهبری نیز در خصوص تطابق احکام قضایی با دستورات شرعی فرمودند: «حکومت و قوانین ما اسلامی است و طبیعتاً عدل، جز با انطباق به قوانین اسلامی تحقق پیدا نمی کند. هر چه خلاف اسلام بود، عدل نیست؛ ظلم است». ایشان بر عملکرد، براساس نظام قضای اسلامی و اسلامی تر کردن آن تأکید می کنند: «قوه قضاییه ما براساس شرع است؛ اگر براساس شرع نباشد، غلط است؛ چون نظام، نظام اسلامی است. هر بخشی از این قوه که شرعی نباشد و موافق با مقررات اسلامی قضا نباشد، نه مایه افتخار، نه موجب ثواب است و نه کارگشاست. قضای اسلامی است که کارگشاست و در آن، از همه مفاسد می شود جلوگیری کرد. دستگاه قضایی اسلامی این استعداد را دارد که در همه شرایط با ظلم مقابله کند. هر چه ممکن است، سعی کنید دستگاه قضا را اسلامی تر کنید» (بیانات در دیدار مسئولان قوه قضاییه و خانواده های شهدای هفتم تیر: ۱۳۷۸/۴/۷) همچنین ایشان قوه قضاییه را از هر گونه تأثیرپذیری در مقابل فرهنگ قضای غربی باز می دارند: [مسأله مهم] حاکمیت احکام و معیارهای اسلامی است که محکم ترین ملاک برای اداره یک مجموعه قضایی است. نباید در مقابل جنجال مخالفان و دشمنان و کسانی که هر نقطه مثبتی هم در جامعه اسلامی باشد، مورد انتقاد قرار می دهند دچار انفعال بشویم. فرهنگ غربی، شیوه قضایی اسلامی را قبول ندارد؛ ما هم شیوه قضایی آنها را قبول نداریم؛ «وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبَدُ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ» (کافرون: ۳-۴). آنها حاضر نیستند موازین قضایی مبتنی بر ارزش های اسلامی را درک کنند. اصلاً فرهنگ غربی اجازه نمی دهد که کسی ارزش بینه و قسم و حد و تعزیر و دیگر معیارهای قضایی اسلام را درک کند. در اسلام، قاضی به

جز هیئت قضاوت، هیئت دیگری ندارد و مسلمانی مثل بقیه مسلمان هاست؛ روی خاک می نشیند، با مردم برادرانه برخورد می کند و آداب خاصی برای خود قائل نیست؛ اما در دنیا شکل و آداب دیگری برای قاضی و محکمه و کار قضایی قائل اند. ما در مقابل دنیا منفعل نیستیم و به معیارهای قضایی اسلامی افتخار و بر همان اساس حرکت می کنیم و معتقدیم عدالت در جامعه از طریق قضای اسلامی می تواند تأمین شود (خامنه ای، بیانات ۱۳۶۸/۴/۷).

۳-۳- روش های اجتماعی

سومین روش برای رسیدن به عدالت اجتماعی، روش اجتماعی می باشد.

۳-۳-۱- عدالت در خانواده

اولین هدف برای رسیدن به عدالت اجتماعی در روش اجتماعی، عدالت در خانواده است. حضرت سجاد(ع) مردم را به رعایت حقوق والدین، زنان، فرزندان و برادران توصیه نموده است (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ۳۶۱). مقام معظم رهبری در همین راستا فرموده اند: انسان در بستر خانواده تربیت می شود، بنابراین اگر در خانواده عدالت رعایت شود، فرد در جامعه سعی می کند عدالت را رعایت نماید. پس اجرای عدالت در خانواده منجر به ایجاد عدالت اجتماعی می شود (خامنه ای، بیانات ۱۳۷۶/۷/۳۰) روشن است که عدالت یعنی هر چیز در جای خود باشد نه این که مساوات باشد، در عمل هرگز عدل در خانواده بدون در نظر گرفتن تفاوت های زن و مرد امکان پذیر نیست؛ خداوند با در نظر گرفتن تفاوت های روحی و جسمی انسان ها می فرماید: «رَفَعَ بَعْضُكُم فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ» (انعام: ۱۶۵)؛ البته حقوق اسلامی زن مانند مهریه و نفقه باید مراعات شود. رهبری در این خصوص می گویند: زن و مرد با هم تفاوت هایی جسمی و روحی دارند، این تفاوت ها منجر به تفاوت در مسئولیت ها و احکام می شود. برای مثال، از نظر فقه و حقوق اسلامی، نفقه زن بر شوهر واجب است. در اسلام تعادل یعنی رعایت عدالت محض میان افراد، از جمله میان زن و مرد. تعادل و برابری در حقوق مطرح است...؛ هر

حرکتی که به قصد احقاق حقّ زنان انجام می‌گیرد، باید مبتنی بر بینش خردمندانه، حقایق هستی، شناسایی طبیعت، مسؤولیت‌ها و مشاغل اختصاصی زن و مرد و آن چه می‌تواند مشترک بین اینها باشد - انجام گیرد و از روی انفعال و تقلید نباشد؛ زیرا حرکت از روی انفعال و تقلید، مضرّ خواهد بود. ایشان در بررسی نظر اسلام به زن و مرد گفته اند: یک منظر، منظر اصل و جوهر و حقیقت انسانیت و چیزهایی است که بر این جوهر و حقیقت مترتب می‌شود؛ چه در نفس و سرنوشت انسان، چه در راهی که انسان را به آن سرنوشت و درجات رفیع‌ه ای که یک انسان می‌تواند به آنها برسد، می‌رساند؛ چه آن چه که مربوط به حقوق اساسی انسان است؛ مانند: علم‌آموزی و مالکیت و گاهی هم اسلام از منظر بعضی از شرایط زندگی - از لحاظ جسمانی و وضع تکالیف اجتماعی - به زن و مرد نگاه می‌کند. اما از منظر اسلام هیچ اختلافی بین زن و مرد و جوهر انسانیت آنها و در حقوق اساسی وجود ندارد؛ لذا قرآن در مواردی زیاد، زن و مرد را با هم می‌آورد: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب: ۳۵). اینجا مردها نمی‌توانند بگویند که ما این امتیاز را داریم، یا زن بگوید که چرا به مرد این ترجیح داده شده است. حتی در مواردی خداوند برای این که نمادی در مقابل چشم بشر قرار دهد، یک زن را انتخاب می‌کند؛ در حالی که می‌توانست یک مرد را انتخاب کند؛ مثلاً زن فرعون را به عنوان نمونه مؤمنان مثال می‌زند. در مقابل آن مردم جاهلی که خیال می‌کردند بین زن و مرد فرقی هست، قرآن می‌گوید: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ» (تحریم: ۱۱). در طرف بدی نیز همین‌طور است: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ» (تحریم: ۱۰)؛ زن نوح و زن

لوط را به عنوان نمونه های بدی مثال می زند؛ یعنی در میدان های عروج و سقوط، از طرف تکالیف و حقوق، هیچ تفاوتی بین زن و مرد نیست.

منظر دوم، نگاه به دو جنس از دیدگاه واقعیت های دو جنس است. مثلاً شیر دادن و حضانت بچه، تکلیف و حق زن است. یا مثلاً نان آوری خانواده تکلیف مرد است؛ یعنی خدای متعال زن و مرد را از لحاظ احساسی و جسمانی، بر حسب وظایفشان، برای مصالحشان، برای بقای نسل، برای آبادی جهان دو گونه خلق کرده است. وظایف بر اساس آن واقعیت هاست. این واقعیت های طبیعی - در نوع تکالیفی که متوجه به اینهاست و همچنین نوع حقوقی که اینها دارند - مثل حق نفقه زن - تأثیر می گذارد. این نگاه اسلام به زن و مرد، ناشی از ترتیب طبیعی اینهاست. خداوند بر اساس حکمت و برای جفت و جور شدن زندگی زن و مرد، یک ترتیب طبیعی را به وجود آورده است تا آنها بتوانند دنیا را با هم اداره کنند. کارهایی را بر عهده زن و کارهایی را بر عهده مرد و حقوقی را برای زن و حقوقی را برای مرد گذاشته است؛ مثلاً حجاب زن سختگیرانه تر است تا حجاب مرد؛ چون در طبیعت زن، مظهر زیبایی قرار داده شده است و اگر بخواهیم جامعه، متشنج و آلوده به فساد نشود، بایستی این جنس را در پوشش نگه داشت (همان: ۱۳۷۹/۱۲/۷).

۳-۲- اتحاد مردم و مسئولین در رفع ضعف ها

مقام معظم رهبری فرمودند: در عدالت اجتماعی هنوز به نقطه مورد نظر اسلام نرسیده ایم؛ این از نقطه ضعف های ماست که بایستی جبران کنیم. مسئولین و مردم باید برای برطرف کردن ضعف ها احساس وظیفه کنند. ان شاء الله این ضعف ها را برطرف کنیم. البته بدون تردید برطرف کردنی است (همان: ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

۳-۳- رفتار عادلانه با یتام

خداوند در قرآن از اولویت احسان به یتیمان، پس از پدر و مادر سخن گفته است (نساء: ۲۶) و از مؤمنین خواسته است تا با یتیمان به عدالت رفتار نمایند (نساء: ۱۲۷) و از

راهنمای اصولی در تأمین عدالت اجتماعی و رفاه از منظر مقام معظم رهبری ————— ۳۶۷

بنی اسرائیل پیمان گرفته که به یتیمان خوبی کنند (بقره: ۸۳). احسانی که مورد اخذ میثاق خدا از بنی اسرائیل است در احسان به یتیم، بر امت اسلام نیز واجب است (التعلی، بی تا: ۲/۲۰۴).

مقام معظم رهبری درباره رفتار عادلانه با ایتام و حقوقی که برگردن نظام دارند فرموده‌اند: سازمان بهزیستی باید به یتیمانی که در اختیار و سپرده شده به سازمانند، به صورت مضاعف رسیدگی کند. مبدا در نظام اسلامی، یتیمی مورد اهمال و ضیاع واقع شود! (خامنه ای: ۱۳۷۳/۰۴/۲۹)

۳-۴- روش های دینی

چهارمین روش برای رسیدن به عدالت اجتماعی، روش اجتماعی می باشد.

۳-۴-۱- همراهی عدالت با عقلانیت و معنویت

موضوع عدالت یکی از مسائل اعتقادی اسلام است و هیچ یک از موضوعات فردی و اجتماعی، اخلاقی و حقوقی از حقیقت عدالت جدا نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۰۱/۴) لذا رهبری معتقدند که تحقق عدالت نیازمند بسط اعتقاد به مبدأ، معاد و معنویت در جامعه است و تا این اعتقادات در جامعه گسترش نیابد، عدالت اجتماعی مورد نظر اسلام پیاده نمی شود. ایشان بر لزوم برخورداری مسئولان دولتی و مجریان عدالت اجتماعی از معنویت و عقلانیت فرموده‌اند: عقلانیت اقتضا می کند که مجریان تحقق عدالت در تمام عرصه های اجتماع از تجارب عقلایی سایر ملت ها، از تدبیر و محاسبه و نظرات صاحب نظران که اقتضای کار معقول است بهره مند باشند. در عدالت، عقلانیت و معنویت باید وجود داشته باشند. اگر معنویت با عدالت همراه نباشد، عدالت یک شعار توخالی می شود و بیشتر جنبه سیاسی و شکلی پیدا می کند. (خامنه ای، بیانات ۱۳۹۰/۲/۲۷).

۳-۴-۲- الگوگیری از اسوه های عملی و معصوم

طبق روایات و تاریخ اسلام، گفتار و کردار ائمه اطهار حاکی از اجرای عدالت کامل توسط ایشان است؛ از اینرو رهبری درباره لزوم الگوگیری از اسوه های عملی و معصوم

عدالت فرموده‌اند: ما می‌خواهیم زندگی و نظام ما به گونه‌ای شود که امیرالمؤمنین (ع) در راه آن، زندگی، جهاد و حکومت کرد و عدل اسلامی کامل حکمفرما بشود. هر کسی که در این نظام زندگی می‌کند، باید مجاهدت نماید، تا اگر در رأس جامعه امیرالمؤمنین (ع) قرار می‌داشت، جامعه و نظام ما لایق او می‌بود. ما باید کاری کنیم که جامعه ما، یک جامعه علوی باشد. اسم اسلام و ولایت، کافی نیست. بخصوص کسانی که مسئولیتی بر دوش دارند - در دستگاه‌های قضایی، اجرایی، قانونگذاری، انتظامی و در دستگاه‌های مختلف - زبان و بازو و راه و کار، باید به سبک امیرالمؤمنین (ع) باشد. (همان: ۱۳۶۹/۱۱/۱۰)

نتیجه‌گیری

از مهم‌ترین دغدغه‌های جوامع انسانی، عدالت است. مقام معظم رهبری معتقدند که عدالت باید با اندیشه ناب دینی در این خصوص تبیین شود، زیرا اگر اندیشه‌های صحیح در این خصوص ارائه نشود اندیشه‌های مغشوش‌گر بیان ممکن است به جای اندیشه اسلامی بنشینند. از اینرو ایشان هم مباحث نظری مانند مفهوم عدالت و عدالت اجتماعی را مطرح نموده‌اند و هم به مباحث کاربردی عدالت مانند: مباحث فقهی از جمله: حق نفقه زن، مباحث حقوقی مانند: مجازات اسلامی و مباحث عملی یعنی راه‌های رسیدن به عدالت اجتماعی پرداخته‌اند. از بیانات مقام معظم رهبری این نتیجه حاصل شد که راه‌های وصول به عدالت اجتماعی عبارتند از: روش‌های اقتصادی (رونق اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، کاهش فاصله طبقاتی، رفع فقر)؛ راه‌های اجتماعی (عدالت در خانواده و پرداخت مهریه زنان، رفتار عادلانه با ایتام، اتحاد مردم و مسئولین)، راه‌های سیاسی (دقت در انتخابات، تقسیم و توزیع متناسب فرصت‌های کشور، پشتیبانی و مقاومت ملت‌ها، توصیه به کارگزاران نظام و قوای مقننه و قضائیه) و روش‌های دینی (همراهی عقلانیت و معنویت، الگوگیری از اسوه‌های عملی و معصومین) می‌باشد.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (۱۳۷۹) ترجمه محمد دشتی، قم: مشکات.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۲)، **ثواب الأعمال و عقاب الأعمال**، ترجمه: محمدرضا انصاری محلاتی، قم: نسیم کوثر.
- بیانات مقام معظم رهبری. khamenei.ir
- پورمولا، محمد هاشم (۱۳۹۴)، **جایگاه قاعده عدالت در استنباط احکام معاملات**، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- الثعلبی، ابواسحاق احمد (بی تا)، **الکشف و البیان**، ج ۲، تحقیق: ابی محمد ابن عاشورا، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جمشیدی، محمد حسین (۱۳۸۰). **نظریه عدالت**، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- خمینی(امام)، سید روح الله (۱۳۶۹)، **شئون و اختیارات ولی فقیه**، ج ۲، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خمینی(امام)، سید روح الله (۱۳۷۶)، **شرح چهل حدیث**، ج ۱۶، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- خمینی(امام)، سید روح الله (۱۳۸۶)، **جنود عقل و جهل**، ج ۱۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (بی تا)، **المفردات فی غریب القرآن**، ترجمه: غلامرضا خسروی.
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه (۱۳۸۸)، **جوان امروز**.
- قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲)، **قاموس قرآن**، تهران: دار الکتاب الإسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، **اسلام و مقتضیات زمان**، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، **یادداشت‌ها. تهران**، ج ۶، صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲)، **عدل الهی**، (مجموعه آثار ج ۱) تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵)، **دائرة المعارف فقه مقارن**، ج ۱، قم: مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (ع).

References

- The Holy Quran.
- Nahjul-Balagha (1379) translated by Mohammad Dashti, Qom: Mishkat.
- Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali (1382), The Reward of Deeds and the Punishment of Deeds, translated by Mohammad Reza Ansari Mahallati, Qom: Nasim Kausar.
- Bayanat Maqam Mu'azem Rahbari .khamenei.ir
- Purmola, Muhammad Hashem (1394), The Place of the Rule of Justice in Deducing the Rulings of Transactions, Tehran: Imam Sadiq University (AS).
- Al-Thalabi, Abu Ishaq Ahmad (B.A.), Al-Kashf and Al-Bayan, Vol. 2, Researched by: Abi Muhammad Ibn Ashura, Beirut: Dar Ihya' Al-Turat Al-Arabi.
- Jamshidi, Muhammad Hussein (1380). The Theory of Justice, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute.
- Khomeini (Imam), Seyyed Ruhollah (1980), Affairs and Powers of the Supreme Leader, Vol. 2, Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Khomeini (Imam), Seyyed Ruhollah (1997), Explanation of Forty Hadiths, Vol. 16, Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khomeini (Imam), Seyyed Ruhollah (1997), Soldiers of Reason and Ignorance, Vol. 11, Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Raghieb Isfahani, Abolghasem Hossein bin Muhammad (b.e.), Al-Mufradat fi Gharib al-Quran, translated by Gholamreza Khosravi.
- Azimzadeh Ardebili, Faezeh (1999), Jawan Emroz. - Qorashi Banaei, Ali Akbar (1999), Dictionary of the Quran, Tehran: Dar al-Kitab al-Islami.
- Motahari, Morteza (1998), Islam and the Requirements of the Times, Tehran: Sadra.
- Motahari, Morteza (2002), Notes. Tehran, Vol. 6, : Sadra.
- Motahari, Morteza (2003), Divine Justice, (Collected Works Vol. 1) Tehran: Sadra. - Makarem Shirazi, Nasser (2008), Tafsir Nomneem, Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyya.
- Makarem Shirazi, Nasser (2006), Encyclopedia of Contemporary Jurisprudence, Vol. 1, Qom: Madrasah al-Imam Ali ibn Abi Talib (a.s.).